



## مباهله منحصر به زمان پیامبر(ص) نیست؛ استفاده ائمه(ع) برای اثبات حقانیت شیعه

استاد حوزه علمیه و رئیس مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولیعصر(عج)، گفت:

استاد حوزه علمیه و رئیس مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولیعصر(عج)، گفت: نکته مهمی که باید در اینجا توجه داشته باشیم این است که آیا آیه شریفه مباهله مخصوص زمان رسول اکرم(ص) بوده یا بعد از ایشان هم باز این مسائل وجود داشته است. از جمله امام صادق(ع) به برخی از یاران‌شان فرمودند با مخالفین و اهل سنت مناظره و ادله حقانیت اهل بیت(ع) را بیان کنید.

سیدمحمد حسینی قزوینیمباهله از نظر لغت سه معنا دارد: اول؛ رها نمودن و به خود وا گذاشتن؛ دوم؛ دعایی که همراه با تضرع و اصرار باشد و سوم کم بودن آب، اما معنای اصطلاحی به زمانی گفته می‌شود که دو یا چند نفر بر سر مسئله‌ای اختلاف نظر داشته باشند و هیچ کدام حاضر نباشند نظریه طرف مقابل را بپذیرند لذا در یک جا جمع می‌شوند و به درگاه خداوند تضرع می‌کنند و از خداوند می‌خواهند که آن کس را که بر باطل است رسوا نموده و مورد لعن و مجازات خویش قرار دهد. مباهله در اصطلاح دینی هم اشاره به ماجرای دارد که روز ۲۴ ذی الحجه سال نهم هجری واقع شد. خبرنگار اینکا درباره عید مباهله، با آیت‌الله سیدمحمد حسینی قزوینی، استاد حوزه علمیه و رئیس مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولیعصر(عج) گفت و گو کرده است که در ادامه آن را می‌خوانید:

اینکا \_ مباهله براساس گزارش‌های تاریخی، نوعی مواجهه برآمده از لعن و نفرین در حق کسانی است که با وجود پی بردن به حق از اعتراف به آن امتناع کردند؛ اساساً منطق قرآن کریم در برخورد با مخالفان فکری و عقیدتی و اهل کتاب چیست؟ و آیا صرفاً به همین روش منحصر است؟

روش و برنامه اسلام با اهل کتاب و مخالفان ابتدا دعوت آنها به وحدت و اتحاد و جلوگیری از درگیری و جنگ است؛ در سوره مبارکه آل عمران و در آیه ۶۴ فرموده است: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ؛ بگو ای اهل کتاب بیایید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است بایستیم که جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نگردانیم و بعضی از ما بعضی دیگر را به جای خدا به خدایی نگیرد پس اگر [از این پیشنهاد] اعراض کردند بگویید شاهد باشید که ما مسلمانییم [نه شما] (۶۴)» بیایید بر مشترکات بین ما و شما وحدت داشته باشیم و فقط خدا را عبادت کنیم و برای خدا شریک قائل نشویم و یکدیگر را به عنوان زیردست و عبد قرار ندهیم. این روشی است که قرآن نسبت به اهل کتاب دارد.

قرآن کریم مخالفان و اهل کتاب را دعوت به مناظره و مباحثه علمی کرده است، در سوره مبارکه بقره آیه ۱۱۱ فرموده است: وَقَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِنْ مَنِ كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارَى تِلْكَ أُمَانِيَهُمْ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ؛ و گفتند هرگز کسی به بهشت درنیاید مگر آنکه یهودی یا ترسا باشد این آرزوهای [واهی] ایشان است بگو اگر راست می‌&rlm؛ گویند دلیل خود را بیاورید (۱۱۱) یعنی ما تابع دلیل و برهان هستیم. در آیه ۲۴ سوره مبارکه انبیاء هم باز داریم: أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ هَذَا ذِكْرٌ مَنْ مَعِيَ وَذِكْرٌ مَنْ قَبْلِي بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ الْحَقَّ فَهُمْ مُعْرِضُونَ؛ در آیه ۶۴ سوره نمل هم فرموده است: أَمْ نَبِّدُ الْخَلْقَ ثُمَّ يَعْبُدُهمْ وَمَنْ يَرْزُقْهمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَلَمْ يَلَهُ اللَّهُ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ. در آیه ۷۵ سوره قصص هم تعبیر برهان آوردن وجود دارد و در آیه ۲۴ سوره سبا هم رسول اکرم با کمال تواضع فرموده است: قُلْ مَنْ يَرْزُقْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ قُلْ اللَّهُ وَإِنَّا أَوْ إِيَّاكُمْ لَعَلَى هُدًى أَوْ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ؛ بگو کیست که شما را از آسمانها و زمین روزی می‌&rlm؛ دهد بگو خدا و در حقیقت&rlm؛ یا ما یا شما بر هدایت&rlm؛ یا گمراهی آشکاریم»

بنابراین منطق قرآن کریم در برخورد با اهل کتاب در درجه اول به خوبی در این آیات شریفه بیان شده است و آن منطق صلح و گفت و گو و عقابانیت است ولی اگر کسانی با وجود پی بردن به حقانیت اسلام از پذیرش آن امتناع کردند و بر ضد اسلام گام برداشتند دعوت به مباهله می‌شوند.

اما در آیه ۶۱ سوره مبارکه آل عمران که به مباهله مشهور است فرموده است: فَمَنْ حَاجَلَكَ فِيمَ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأُنْفُسَنَا وَأُنْفُسَكُمْ ثُمَّ تَبَيُّهُنَّ فَتَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ؛ پس هر که در این [باره] پس از دانشی که تو را [حاصل] آمده با تو محاجه کند بگو بیایید پسرانمان و پسران‌تان و زنانمان و ما خویشان نزدیک و شما خویشان نزدیک خود را فرا خوانیم سپس مباهله کنیم و لعنت&rlm؛ خدا را بر دروغگویان قرار دهیم (۶۱)»

«ف» در اینجا فای تفریع است یعنی ما ادله قاطع و کافی را در آیات قبل بیان کردیم و حال شما در برابر این برهان و دلیل قاطع اگر قانع نشدید پس تن به مباهله بدهید یعنی همدیگر را نفرین کنیم و کسی که باطل است به نفرین خداوند گرفتار شود پس مباهله کاملاً موضوعی دینی و اسلامی است و در گذشته هم سابقه نداشته است و از موضوعات ابتکاری در اسلام است و زمانی استفاده می‌شود که برخی از روی لجاجت به انکار حق مبادرت کنند.

اینکا \_ آیا مباهله صرفاً در منابع شیعی منعکس شده است یا اهل سنت هم به آن پرداخته اند؟

در مورد این آیه شریفه، علمای اهل سنت مفصلاً شان نزول آن را بیان کرده و گفته اند در حق پیامبر(ص)، علی بن ابیطالب(ع)، صدیقه طاهره همچنین امام حسن(ع) و امام حسین(ع) نازل شده است. در منابع آمده است: بعد از آنکه نصاری نجران در برابر ادله قاطع پیامبر(ص) مبنی بر حقانیت نبوت ایشان و دین اسلام قانع نشدند و باز بر عقیده خودشان تاکید کردند پیامبر(ص) فرمودند بیایید ما نفس و جان و ابناء خودمان را می‌آوریم تا با هم مباهله کنیم،

صحیح مسلم این مسئله را مفصل آورده است که در چاپ عربستان سعودی، چاپ بیت الافکار الدولیه، حدیث ۶۱۱۴ و دارالطیبیه ریاض در حدیث ۲۴۰۴ اینطور منعکس شده است: رسول اکرم، حضرت علی(ع)، حضرت فاطمه زهرا(س) و امام حسن(ع) و امام حسین(ع) را برای مباحله آورد؛ حاکم نیشابوری متوفای ۴۰۵ در کتاب معرفة علوم الحدیث در صفحه ۵۰ نوشته است که روایات متواتر داریم که رسول اکرم(ص) فقط علی(ع)، حضرت فاطمه(س)، حسن و حسین(ع) را برای مباحله برده است و فرد دیگری همراه آنها نبود.

البانی که از استوانه های علمی وهابیت معاصر است در صحیح سنن ترمذی، جلد ۳، صفحه ۵۲۳ هم به این شکل بیان کرده است. زمخشری متوفای ۵۳۸ هم گفته است: قوی ترین دلیل بر فضیلت اصحاب کساء همین آیه مباحله است و بزرگان اهل سنت مانند ابن کثیر در تفسیر خودش در جلد یک صفحه ۳۷۱ گفته است مراد از انفسنا و انفسکم امیرالمؤمنین(ع) است و مراد از نساءنا، حضرت زهرا و مراد از ابناءنا حضرت امام حسن و امام حسین(ع) است.

ایکنا - برخی تصور می کنند مباحله یک واقع تاریخی متوقف شده در تاریخ است و صرفاً کاربرد آن منحصر به همان زمان است؟ آیا این برداشت صحیح است؟

خیر! نکته مهمی که باید در اینجا توجه داشته باشیم این است که آیا آیه شریفه مباحله مخصوص زمان رسول اکرم(ص) بوده است یا بعد از ایشان هم باز این مسائل وجود داشته است. در اینجا باید به روایاتی که مرحوم شیخ طوسی در کتب متعدد خود ذکر کرده است یادآور شویم؛ از جمله در صفحه ۷۱ کتاب تصحیح اعتقادات امامیه آورده است: امام صادق(ع) به برخی از یارانسان فرمودند با مخالفین و اهل سنت مناظره و ادله حقانیت اهل بیت(ع) را بیان کنید. در مورد حقانیت امیرالمؤمنین(ع) هم با اینها مباحله کنید یعنی این موضوع روشن است که مسئله مباحله مسئله ثابت و قاطع است و ما می توانیم در مورد حقانیت امام علی(ع) و سایر اهل بیت(ع) با مخالفانمان مباحله کنیم و در این موضوع تردیدی وجود ندارد.

یکی از اصحاب خدمت یکی از ائمه(ع) رسید و عرض کرد ما با مخالفان بحث می کنیم ولی قانع نمی شوند و هر آیه ای بیاوریم توجیه می کنند و ما با اینها چه کنیم و حضرت فرمود: اگر اینها در برابر آیات قرآن در فضیلت امیرالمؤمنین(ع) مناقشه کرده و آن را رد می کنند آنها را به مباحله دعوت کنید(فادعوهم الی المباحله) راوی که ابومسروق است گفت چطور مباحله کنیم و حضرت فرمودند روزه بگیرید و غسل کنید و بعد با مخالفان به صحرا بروید و بعد داستان مباحله را مطرح می کنند و این فرد می گوید: من بعد از این سفارش امام(ع)، مخالفان را به مباحله دعوت کردم ولی «فوالله ما وجدت خلقا یجیبونی الیه؛ احدی از مخالفان برای مباحله با من حاضر نشدند.(کافی جلد ۲ صفحه ۵۱۴) علامه مجلسی هم در مرآة العقول، جلد ۱۲ صفحه ۱۸۵ گفته است این روایت معتبر است.

ایکنا - مواجهه امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب(ع) و ائمه دیگر با این آیه چگونه بوده است؟

برای پاسخ خوب است به یکی دو روایت اشاره کنم؛ امیرالمؤمنین(ع) در جریان شورای خلافت خلیفه دوم، حدود ۷۰ فضیلت از فضایل خودشان را مطرح کردند و از جمله آیه مباحله را به عنوان فضیلت مطرح کرده و افرادی را که در شورا بودند، یعنی طلحه و زبیر و عثمان و سعد بن ابی وقاص و عبدالرحمان بن عوف را قسم دادند که آیا آیه مباحله در حق من نازل شده است یا در حق شما؟ و همگی اعتراف کردند در حق شما(تاریخ دمشق، جلد ۴۲ صفحه ۳۰۱). یعنی امام از این آیه برای اثبات فضیلتشان بهره بردند.

البته در کتب شیعه هم از جمله الفصول المختاره صفحه ۳۸ هم این ماجرا بیان شده است یعنی در روایت مفصل مناظره امام رضا(ع) با مامون که مامون گفت بالاترین فضیلت علی(ع) را از قرآن برای ما بیان کنید و امام رضا(ع) هم به آیه مباحله اشاره فرمودند و استدلال کردند و البته مامون اشکالات و شبهاتی مطرح کرد و حضرت به همه آنها پاسخ داد.

گفت و گو از علی فرج زاده